

باسمه تعالی

فهرستبرگه منابع چاپ سنگی - اداره مخطوطات

شماره ثبت:	۱۰۳۹۶
رده‌بندی دیویی:	۶۱۵٫۷۸۲۲ ت ۳۴۶ الف
سرشناسه:	ادیب الحکماء، سلیم
عنوان قراردادی:	
عنوان:	نفثات ثلاثه در خصوص تاریخ شیوع و خواص مضر و مشروع تریاک و تنباکو و چای
کاتب:	تاریخ کتابت:
محل نشر: تهران	ناشر: مطبعه میرزا حبیب الله تاریخ نشر:
صفحه شمار:	مصور☐ درسی☐ گراور یا افست☐
زبان: فارسی	ابعاد: ۱۱×۱۸ نوع خط: نستعلیق
روش تهیه:	وقفی☐ اهدایی☐ خریداری☑ ارسالی☐
توضیحات: خریداری	تاریخ ثبت: بهمن ۱۳۲۷
یادداشتها:	
موضوع(ها):	۱. تریاک. ۲. توتون - تاریخ. ۳. چای - تاریخ.
شناسه(های) افزوده:	الف. عنوان.
فهرستگار:	تاریخ فهرستگاری: دی ۸۹



کتاب

(تفننات ثلاثه)

در خصوص تاریخ شیوع و خواص مضره و شروع تریاک و تنباکو و چای

<باذن>

و اجازه مخصوص وزارت انطباعات

در مطبعه مقرب الحضرت العلیه

آقا میرزا حبیب الله در

(دار الخلافه الباهره طهران)

بسم الله الرّحمن الرّحیم

سپاس فزون از شمار مر آفریدگاری را سزد که بهر برجا نمودن هستی خویش در بود و نهاد هر گیاه خرد یا چیز چندین زهر و پادزهر و شمیر را خلیس همدیگر و هم آغوش یکدیگر آفرید که هنوز پزشکان آزموده کار چنانچه شاید از بالش آنها را نتوانند

پس درود فراوان بر روان پاک وخشوران بویژه بیانش بی پایان بر آن پیمبر تازی نژاد و ستوده نام و برگزیده پارسا باد که نخست آن فرگاه فسیح نهاد زهر نادانی و انبار نیستی را از پادزهر دانش و پرستش ایزد بی همتا یار نمود پس آنکه تندرستی را نخستین سرمایهٔ خداپرستی فرمود

و هم داماد دانشگر و تهمر و نازنین و فرزندان فرزانگان و یاران پیکان وی را ستاییم که پای پی روان ایشان بر گرد چار نخشان پیکان بگردید

و بعد در سنهٔ یکهزار و چهارده هجری موافق سال دوّم جلوس میمنت مأنوس سلطان پنجم از سلاطین مستقلّهٔ سلسلهٔ جلیلهٔ قاجاریّه ابو النصر و الفتح بندگان اعلیحضرت **مظفّر الدین شاه** خلّد الله ملکه و ایّد جیشه از توجّهات جناب جلالتمآب اجلّ آقای جمشید خان اقتدار السّلطان میرپنجه حکمران ایالت بوشهر و رئیس گمرکات بنادر خلیج فارس فرزند گرامی حضرت مستطاب اجلّ افخم حبیب الله خان ساعد الدّوله سردار تنکابنی و کهین برادر حضرت مستطاب اجلّ اعظم مولی المواهب ولیّ النّعم کریم السّجایا جمیل الشّیم عزیز النّجایا جزیل الکرم جلیل المزایا اصیل النّسب طلّاع الثّنایا نبیل الحسب نصر السّلطنه محمّد ولیخان وزیر ادارتین جلیلتین گمرکات و خزانهٔ کل ممالک محروسهٔ ایران این بندهٔ هیچمدان محمّد سلیم قراباغی همین وجیزه را در خصوص تاریخ شیوع و خواص مضارّ و شروع ترک و تنباکو و چای تألیف نموده و به (تفنّنات ثلاثه) موسوم گردانید

تفنّن اوّل

(چای)



چای عبارت از برگ و غنچه و شکوفه و تخم های بوداده دو قسم نیم درخت مخصوص گرمسیرات ممالک چین و ژاپون و جزایر سراندیب آسیا است و در ممالک دیگر دنیا بعمل نمیآید لیکن در ینگی دنیا دو قسم نبات بعمل میاید که اکثر عناصر و آثار چائی را دارا هستند ولی هرگز بدرجه چائی مطبوع و معمول نیستند

چای از حیثیت خواص و تراکیب باطنی و از جهت کیفیت ظاهری اقسام مختلفه دارد که بسته بقوت انباتیه اراضی و بفصل حصول آنست چنانچه در بعضی جاها سالی دو و یا سه دفعه حاصل او را می چینند و چین اولش که برگ خالص و در اول حمل می چینند بهترین اقسام آنست (۱)

---

(۱) بخصوص که رنگش سیاه و نوکش سفید و دارای کورک باشد

نون چائی کلیّةً بسته بوضع تخمیص و بو دادن و طرز تهیه و خشکاندن است چنانچه چائیهای سیاه را در گرمخانهای مخصوص باعانت حرارت آتش می خشکانند و چای سبز را بحرارت هوا و بخار خشک میکنند و چای سفید را بطرزهای دیگر تهیه و ترتیب مینمایند گذشته از اینها خوبی چائی موقوف به حسن محافظت و وضع دم گذاشتن و امثال آنها است چندان دخل باختلاف اشجار و نقاط منبت ندارد

ترکیب باطنی آن چای دارای چند قسم جوهر مختلفهٔ مغذیه و معطّره و قابضه و ملوّنه است

از آنجمله جوهر (طئین) نام است که شباهت تامّی در خواص و ترکیب بجوهر قهوه که (کافئین) باشد دارد (در صد جزء شش جزء) و غذائیت چائی منحصر بهمین مادّه ازتی است

۲ دُهن معطّری را در بر دارد که لوناً زرد و وزناً و قواماً سبکتر و غلیظ تر از آب است اگرچه آن خیلی تند حتّی گاهی بحدّ اسکار میرسد جهت تهیج و تحریک چای فقط بواسطهٔ همین دُهن است

۴ جوهر (طانان) نامی راکه عبارت از جوهر مازو باشد دارا است قبضش بآن ملاحظه است

قدر شربت و وضع استعمال طبی آن اولاً دم کرده یک مثقال آن در چهار فنجان آب جوش ثانیاً بطور سفوف ثالثاً بطور پویج و آنهم ترکیبی است که دم کرده غلیظ چائی با قند و لیموی ترش و عرق نی شکر که رم باشد مخلوط مینمایند مخصوصاً در روسیه در اسهال ساده و سرما خوردگی استعمال میکنند

خواص و مورد استعمال آن   چای خوب بجهت تحریک معدهای ضعیف و سوء هضمهای مخصوص و عوض یا تحلل و تقویت بدن بلکه مانع از تحلیل آن و چای گرم و شیرین بعد از اغذیه سرد و ثقیل و چیزهای نفاخ و بجهت تهیج دوران خون و گاهی بقصد تعریق و برخی بجهت ادرار آوردن و در هوای سرد محض گرم کردن بدن و برای سد نمودن اسهال و بند آوردن عمل دوای قی (اپیکا و انتیمون) و مسهل و برای رفع اعیا و خستگی و در بعضی جاها (انگلستان و روسیه) بهر اسکات

عطش چای خیلی کم رنگ مستعمل است

مخصوصاً چای سبز (اگر مصنوعی نباشد) در اسهال و صداع شقی و بجهت گرم کردن بدن شخص و بائی و غیره مفید است ولی بواسطهٔ زیادتی تحریک و بیخوابی استعمال آن در بعضی امزجه قابل تحریک خالی از خطر و ضرر نیست

خطرات و مضرات چائی   اینهمه خواص و فواید که بجهت چائی ذکر کردیم در صورتیست که موافق آنکه وصف کردیم (برگ و سیاه و کورک دار و نوک سفید) بوده باشد و شخص هم عادی نباشد امّا اگر در صورت پست تر بودن چای و عادت و اکثار نمودن شخص در استعمال آن خواص مذکوره را نمی بخشد سهل است که در بعضی امزجه موجب احداث ضررهای مختلفه و باعث ایجاد مرضهای متعدده مخصوصه در اشخاص ضعیف البنیه و کم خون و صاحبان خفقان قلب و ضیق النفس کم کم رخنه کرده بحسب استعداد شخصی و موافق اکثار و افراط آن مورث تقلیل خواب و نقصان قوه باه و اغلب یبوست مزاج

و گاهی نیز آن بی اشتهائی و سوء هضم و طپش قلب و تحریک آلات
بول و امراض جلدی و عصبانی بخصوصه رعشه در معتادین و باعث
اشتداد آن در مبتلایان و دل بهم خوردگی و قی و غثیان وغیره میشود
چنانچه طبیب حاذق (بویار) نام اثبات کرده است که استعمال
و افراط چائی موجب هفتاد قسم مرض میباشد

تقلبات آن اگرچه انواع و اقسام ساخته کاریها در ممالک
چای خیز از زارعین و تجّار در وقت چیدن و خشکاندن بواسطه نباتات
شبیه بآن و بواسطه خود چائی دم کشیده و رنگ گرفته کرده میکنند
بخصوصه بجهت چائی سبز (با بعضی رنگهای سمّی)

چون تفصیل آنها طولانی و خالی از فایده است لهذا شمّه از تقلبات
داخلی میگوئیم چنانچه در مملکت محروسه اشخاصی هستند که مخصوصاً چائیهای
دم کرده و رنگ گرفته قهوه خانه ها را که باید دور بریزند و یا عوض
سبزی خشک کار برند جمع نموده در توی تابه های سفالین و یا چدنی
با آب قند سوخته و یا با آب شیره انگور سوخته که رنگ قرمز و صاحب

مزه دبش و طعم عفص است بو داده خشک کرده توی جعبهای چائی ریخته
و یا در کاغذهای الوان گروانکه بسته در دکانهای عطاران محله شهر
و دهات و قصبه های اطراف میفروشند

تاریخ شیوع آن اگرچه چائی دویست سال متجاوز است که بمملکت
ایران داخل و اطبای ایرانی هم او را در جزء ادویه در تألیفات خود
و لغویها در کتب لغت ذکر کرده اند ولی شیوع آن بعنوان تغذیه
و تفنن یک صد سال بیشتر نیست بلکه معمول عمومی آن در واقع بعد از اختراع
سماور (۲) است و تاریخ تشریف فرمائی آن بمملکت محروسه را یکی
از شاهزادگان عظام که باینده سر لطف داشتند چنین تقریر نمودند
که مکرر از والد (یکی از پسران مغفور فتحعلی شاه بوده است) مرحوم
شنیدم سالی (۱۲۳۶) که خاقان مغفور شاهزاده محمد رضا میرزا
حاکم دار المرز رشت کرده بودند از روسیه یکدستگاه سماور بجهت

---

(۲) لفظی است روسی یعنی خود جوش تقریباً هشتاد سال قبل در شهر
تول من اعمال مسکو اختراع شده است

شاهزاده والی سوغات آورده بودند شاهزاده مرحوم هم وضع ترتیب
جوش آوردن سموار و دم کردن چائی را یکی از کنیزان خود یاد داده
بعد دستگاه سموار را با خود آن کنیز بحضور خاقان مغفور تقدیم مینماید
لهذا خرج و مصارف علیحده و قهوه خانهٔ مخصوص بجهت ترتیب چائی
معین نموده بدست همان کنیز می سپارند که هر وقت میل مبارک
شاه (تغنّا و یا در صورت احساس تصرّف هوا) اقتضای
چائی میفرمودند ابلاغ میکردند کنیز چائی دم میکرد حتّی یکروز میل
خاقان مغفور اقتضای چائی میکند اتفاقاً کنیز قهوه چی حاضر نبوده
است سایرین از خدمه ها هر چه خواستند که سموار را آب ریخته و
آتش انداخته جوش آورده چائی دم کنند چون بلد نبودند نتوانستند
ایضاً شاهزاده میفرمودند که پدرم میگفت که آنوقت من به تبریز
برادرم مرحوم عباس میرزا (نایب السّلطنه) نوشتم که بجهت
شاه هیچو اسبابی آورده اند میگویند در روسیّه میسازند مأمورین
و تجّار روسی در تبریز خیلی هستند شما بتوسّط آنها یکدستگاه

سموار

سموار تحصیل نموده بجهت من بفرستید نایب السّلطنه مرحوم هم تحصیل نموده
فرستادند و مدّتی سموار اندرون شاهی منحصر بهمین دو دست بود
بعد وزرا و اعیان دولت کم کم و اواسط اهالی هم تدارک کردند
و آنوقتها قند روس در مملکت محروسه بمنزلهٔ نبات مصری چیز تحفه و
دوائی بود حالا میشنوم سالی هفتاد هزار خروار قند درین مملکت مصرف
میرسد ماشاالله ببین این طفل یکشبه ره چندین ساله میرود

انتهی کلامه

چون چای در مملکت محروسه بطور عموم شیوع و معمول گشته که در واقع جزء
عمده تفنّن و تشریفات اهل هر خانه و خانقاه شهری و دهاتی بلکه جزء اعظم سامان
سفر و تهیّه حضر هر حاضر و غایب گردیده لهذا اکثر اشخاص میتوانند که چائی
خوب تحصیل بکنند بخصوص که خیلی غلیظ و پر رنگ میخورند و الّا بهترین چائی عجالتاً
چای روس است که درین سنوات معمول آقایان شده که چندان مصرفی
ندارد خاصه مانند خود روسها کم رنگتر میل نمایند

تفنّن دوّم

تاریخ و خصایص تریاک

بقراط حکیم دو هزار و هشتصد سال قبل اثر دماغی تریاک را میدانسته و بعد از آن اطبّای یونان و روم از آن استعمال میکردند تا اینکه دیسقوریدوس حکیم میانه شیرهٔ حاصله از تیغ زدن کوزهٔ خشخاش و افشرهٔ کوزه و برگ آن فرق گذاشته اوّلی را (اپیوم) نامید که لفظ افیون معرب آنست و دوّمی را (مکنیوم) اسم گذاشت که فارسی آن کوکنار است چراکه اصل معنی کوکنار در لغت فارسی بمعنی افشرهٔ خشخاش است چنانچه شاعر گفته

غم مخور که غم همچو کوکنار — روی سرخ را زرد میکند

بعد **اندروماخس** تریاق فاروق معروف را ساخت که در حقیقت با اینهمه تفاصیل اثر این کهنه معجون بواسطهٔ تریاکی است که دارد و در یکهزار و هشتصد و ده سال قبل **جالینوس** او را استعمال

کرده

کرده خواص او را معلوم نموده بر موارد استعمالاتش افزود بهمین ملاحظه است که بعضی ها نسبت ساختن او را بجالینوس میدهند

پس از آن **دیسکرید** معجون مشهور مسرود را ساخت که اثر آنهم بواسطهٔ تریاکش است زیراکه قدر خوراک هر کدام از آنها در موارد استعمال تریاک بقدر تریاکی که دارد اثر میکند

لفظ **تریاق** که بمعنی پادزهر یعنی پاک کنندهٔ زهر استعمال میشود معرب تریاک است و در اغلب کتب و فرهنگهای فارسی و در بعضی اشعار شعرا مقصود از لفظ انوشدارو و بیهوشدارو که گاهی بمعنی منوّم و مسکّن و برخی بمعنی برء الساعه و عطیّة الله استعمال شده کلاً بمناسبت خواص تریاکی است که جزء آن تراکیب بوده است حتی بعضی از متأخّرین حکمای عظام ایران مینویسند که تریاقی که رستم از کیکاوس بجهت سهراب خواست همین تریاک خشخاش بوده است و بس چراکه تا امروز در عالم طبابت دوائی در ادارهٔ ادویه داخل نشده است که درد سخت را آرام و وجع شدید را ساکت نموده بمریض خواب آورده

از تحصیل رفتن غفلت کرده طبیب را از اضطراب بازدارد تا اینکه
بتوانند پریشانی وقایع را اجرا نماید مگر تریاک
انتهای مراتب باین درجه که اطبای معاصر خواص نفیسه این عطیه الهیه را
معلوم کرده اند قدما باین پایه معرفت بحق آن نداشتند بخصوص که
کمتر دوای مفرد استعمال میکردند و کمتر مریض از اول تا آخر مرضش
بطبیب رجوع کرده موافق دستور العمل رفتار میکردند تا میزان درست
دوا بدست بیاید

گذشته از اینها اگر کسی بکتب قدما رجوع نماید ملتفت میشود که قدما چندان
اطلاع از ماهیت افیون نداشتند زبسکه کمیاب و چیز تحفه بوده حتی
مأخذ و نبت او را درست نمیدانستند و طرز تهیه او را بلد نبودند
که انواع و اقسام اسمها بآن میدادند با اینهمه بواسطه خواص نفیس
و اثر سریع که از آن میدیدند لابد هر معجون و ترکیبی که می ساختند تریاک
داخل آن میکردند و آنهم اگر در موقع استعمال افیون داده میشد
حکما اثر خود را می بخشید انتها ملتفت نمیشدند که آن اثر فقط از

تریاک است و یا بواسطه مزاج مجموع مرکب است چنانچه کلیه اعتقاد
ایشان در تأثیر مرکبات باثر مزاج و صدانی مخصوص مرکب و ممتزج بود
پس هر چه که موافق اخت و مناسبت اجزای ترکیب و مصادف
آن مورد استعمال افیون مؤثر میشد لهذا باندازه خدمت و منفعتش
بقی بآن ترکیب داده در هر عصری یکی را مشهور میکردند چنانچه القابهای
متعدد تریاق مانند اعظم و اکبر و فاروق هر کدام در یک مورد دیگر
مؤثر افتاده از طرف حکما داده شده است از آنجمله در یک مورد که
یأس از حالت مریض داشتند بواسطه تریاق افاقه شد گفتند در
واقع حایل و فارق فیما بین مرض و موت همین تریاق است لهذا در
آن مجلس بلقب فاروقی ملقبش کردند و القاب افتخاری و انتسابی
در آن اعصار معمول نبوده است
بعد از آن متوسطین حکمای عظام اسلام مانند ابوالقاسم اسپانیولی (۱)

---

(۱) ازبابت اوضاع علمیه ترقیات قدیم اهالی آسیا بخصوص در ایران و
توران که جای خود دارد هزار سال قبل یعنی بعد از عهد خلافت مأمون

و محمد زکریای رازی و شیخ ابو علی سینا و بعد از عهد ایشان (سیدنم) نام انگلیسی مخترع بود اسم معروف بخواص تریاک پی برده بر مورد استعمالاتش افزود تا اینکه متأخرین کم کم معلوم کردند که خواص تمام تراکیب و معاجین افیونی قدما فقط بواسطهٔ افیون بوده است بنابرآن همت گماشته بنای تجربه و امتحان گذاشته عموم خواص و منافع او را تحصیل کرده جوهرهای متنوعه از او بدست آورده مایهٔ نجات هزاران نفوس و رشتهٔ بزرگی در تجارت و زراعت فراهم آوردند چنانچه نود سال قبل جوهر (نرکتین) نام را از تریاک کشیدند و ده سال بعد شش جوهر معروف (مرفین) را از او اخذ کردند و از آن

رشید علم در عربستان مخصوصاً در میان اعراب اسپانیول در حد کمال بود و تا آنوقت اهل اروپا بوئی بعلم اعداد و حکمت طبیعی و جبر مقابله مقابله و سایر علوم ریاضی و کیمیا نبرده بودند تا اینکه پاپ ژربر فرانسوی آمده مبادی علوم مذکور را از اعراب اسپانیول اخذ کرده رفته در فرنگستان نشر داد ولی افسوس که این مایهٔ افتخار اسلاف عجالتاً اسباب ننگ اخلافمان شده

بعد هجده قسم جوهرهای جداگانه مخصوص از او گرفتند که هر کدام دارای رسم علیحده و دارای خصایص مخصوصه و مشترکه میباشند و علاوه از آنها تریاک شامل چند قسم مادهٔ نباتی دیگر مانند مواد صمغی و دسومتی و خشبی و سکری و غیره است که ذکر آنها موجب اطناب کلام و مزید ملال مطالعه کنندگان گرام است

تریاک عبارت از شیرهٔ خشک شدهٔ گوزه های دو قسم خشخاش سفید و بنفش است که بواسطهٔ تیغ زدن بآنها گرفته میشود

شقایق هم همین شیره را دارد ولی بواسطهٔ حدت زیادتی سمیت آن چندان معمول نیست

رنگ تریاک زرد تیره و بویش فی الجمله مهوع و طعمش تلخ و اثر موضعی آن اینست که اگر مجاور جلد بدن کنند اول احداث سوزش نموده بعد منتهی بخدارت و بی حسی میشود

اگرچه تریاک از محصولات مخصوصه آسیائی وسطی است ولی چون مدتی است که در ممالک دیگر دنیا هم بعمل میآورند لهذا تریاک های

اصلی وعمده که در تجارت معمول است موافق داشتن مرفین بقرار ذیل است

تریاک اسلامبول و ازمیر و فرانسه و هندوستان و ایران و اسکندریه و مصر بحسب ترتیب ذکر از قرار فی صد سیزده تا دو مرفین دارند و متوسط آنها تریاک ایران است که در صد پنج مرفین دارد و رنگش هم بازتر و در آب محلول تر از سایرین است

اینقدر باید در نظر داشت که تریاک بواسطهٔ داشتن اینهمه جواهر کثیره و موادّ مختلفه مرکب القوی و دارای آثار مخصوصه است که هیچکدام از جوهرهای دیگرش در تنهائی صاحب آن خاصیت مخصوص نیستند ولی اثر مرفین بواسطهٔ زیادتی مقدار آن در تریاک نسبت بسایر جوهرهای دیگرش غلبه و ترجیح دارد چنانچه بعد از تریاک معمول ترین تمام جواهرهای آن در صنعت طبابت اولاً مرفین است ثانیاً (نارسین) و ثالثاً (کدئین) است و در واقع چهار خاصیت قابل تمجید ۱ تسکین اوجاع ۲ سدّ اسهال و نزلات ۳ تحصیل نوم ۴ مسترخی تشنجات بواسطهٔ

آنها است

مقدار شربت — از خود تریاک از یک گندم تا ۳ گندم ولی از جوهرهای سه گانه فوق از اوّلی از پنج یک گندم تا یک گندم و از دو تای آخری تا دو گندم معمول است

صور دوائی آنها — بطور مایع و محلول و تقطین و شربت و حبّ و گرد و شاف و شیاف و معجون معمول و متداول است

طرز و طریق استعمال آنها — بطور طلایه و تدهین و قطور و ضماد و آبدزدک زیر جلدی و اماله و عمل کردن و تغسیل و آبزن عضوی مستعمل است

آثار عمومی آن — تریاک بمقدار خیلی قلیل یعنی تا نصف گندم در مراکز اعصاب اثر کرده تحریک در مجموع رشته های عصبی آورده بواسطهٔ ازدیاد عمل دماغی و نخاعی باعث زیادتی شعور و حس و حرکت عضلانی گردیده مانع از اعیا و خستگی میشود

مقدار معتدل آن بحسب امزجه و اقالیم تحریک بر قلب آورده نبض را

متواتر و ممتلی و حرارت غریزی بدن را موافق تحریک دوران خون را زیاد و تنفس را سریع مینماید (۲)

تریاک بواسطه تحریک دوران خون در بدن و ازدیاد حرارت غریزی آن معرّقی است قوی لهذا ادرار را کم میکند ولی بالخاصیه عرق شبانه مسلولین را موقوف میکند

ترشحات مجرای غذا را مانند بزاق و لعاب دهان و ترشی معده و صفرای کبد و رطوبات مترشحهٔ روده را کم میکند (۳) را شخاص تریاک خور بی رنگی براز مدفوعه کاشف است از اینکه تغییری در حال صفرا هم آمده چنانچه یبوست مدامی تریاکیها بواسطهٔ قلت تحریک امعاء است

---

(۲) بهمین ملاحظه بود که قدما در مواقع نقصان در دوران دم و حرارت غریزی بدن و بعلاوه بعض اشخاص معمر و مرتاض و غیره از ضعفا تریاک تجویز میکردند که کسر اعمال ثلاثه را جبر نماید

---

(۳) بهمین ملاحظه است که تریاکیها طبعاً طالب و مجبور باستعمال تنباکو هستند

رجوع

(تریاک اگر سینه کنی صد چاکش از دل نرود خیانت و امساکش)

که از موقوف شدن ریزش دائمی آن بروده دست میدهد (چنانچه در بعضی امراض کبدی بجهت تخفیف و استفراغ مفرطه صفرا افیون استعمال میشود)

تریاک اندکی موجب سرعت و ازدیاد عمل طمث بوده و بهمان نسبت هم در تقلیل شیر مرضعه اثر میکند

همه اینها که ذکر شد مختصراً آثار عمومی تریاک بود که از استعمال مقداری معتدل آن در اشخاص سالم موافق امزجه و اقلیم حادث میشود

ولی نباید غافل کرد که در بعضی اشخاص برخلاف آنچه مقصود است اثر میکند مثلاً عوض تحریکات و نشاط و خواب دیمومت حالت تهوع و صداع وقتی و انقلاب و بیخوابی و لینت مزاج میآورد

موارد استعمالات طبّی تریاک در چندین مرض بجهت بیخوابی و بجهت تخدیر اسکات اوجاع مزمنه و در اغلب اوجاع عصبانی سخت و شدید و در قولنجهای کبدی و کلیه و سربی و غیره و در بعضی

اورام صفاقی و ثقبه یا معاء منفصل روده مستقیم و در امراض و علل تنفسی و قلبی معمول و مفید است

تاثیرات آن در ترشحات بدنی اولاً در سیلان و زیادتی بزاق دهان و شیر زنان و در چندین قسم اسهال وبائی و سلّی و در کم کردن ادرار مرضی مثل دیابطوس قندی و دولاب و در بعضی نزف الدمهای عصبانی و ترشحات مجرای تنفس و زکام و در زخمهای کوفتی و خنازیری مخلوط با ادویه مخصوصه آنها

و در بعضی مسمومین با مسمومات نباتی مانند قارچ سمّی و طایفه کاشیک و سورنجان و معدنی مانند مس و انتیمون و غیره و در لدغ و عض حیوانات سمّی مفرداً و یا مرکّباً با تریاقات عدیده داده میشود

تریاک غیر از آنچه ذکر شد در چندین مورد متعدّده معین عمل ادویه و مانع از تاثیر دواهای سمّی دیگر بوده معده های حساس را بر استعمال دواهای محرّک متحمّل کرده در صورت ضرورت میل و اشتها را کم مینماید

از آنجائیکه هیچ دوا در بدن نمیماند بلکه باید بعد از بخشیدن اثر خود زود و یا دیر از یک یا از مخرجهای متعدد بدن بیرون بیاید لهذا تریاک هم با عرق و نفس بیرون میآید چنانچه بوی مخصوص آن از عرق و نفس تریاکی ها بمشام همه کس رسیده و با ادرار هم خارج میشود چنانچه اگر یک خمس گندم مرفین را بواسطه آبدزدک داخل بدن نمایند بعد از یک ربع ساعت تا دوازده ساعت دیگر ممکن است که در ادرار دیده شود و اگر اندکی بعد از خوردن تریاک فصد کنند در توی خون هم معلوم میشود

تا اینجا حاصل تجربه و امتحانات دو هزار و هشتصد ساله را بطور اشاره و اختصار بعرض رسانده فی الجمله معلوم کردیم که از مساعی جمیله طایفه حکما و از اهتمام کافیه قوم اطبا گیاه ناچیز و مجهول و بی قدر خشخاش چقدر قدر و منزلت خوب و خوشی پیدا کرده که در جدول عطیه الله شافی و ناجی جای شاه‌داروی واقعی را گرفته مایه حیات و نجات و سرمایه عزت و افتخار چندین کرور نفوس از مریض و طبیب و کیمیا

گران گردیده و وسیله گذران بزرگان و سبب سود سودگران گشته کالشمس فی وسط السما معروف پیشگاه عام و خاص هر کدام از طوایف امم و ملل روی زمین گردید

و از اینجا به بعد باید بیان نمائیم که اگر کسی سهواً و یا عمداً از آن مقدار و موارد که حکما تعیین کرده و شرع جایز دانسته و اجازه داده تخلّف و تجاوز نماید چه چگونه آثار بروز نموده و چه قبیل نتایج وخیمه روی کار خواهد آمد و چه قسم تدبیر باید نمود که شخص مبتلا متخلص شود

آثار زیادتی تریاک تریاک بمقدار زیاد اگرچه هنوز از مقداً طبّی چندان تجاوز نشده باشد عوض حصول آثار تخدیر و نشاط در اعمال دماغی باعث تحریکات قوای آن گردد چنانچه بجای خواب غرق و غالب قلق و اضطراب آورده خوابهای منقلب و پریشان دست میدهد و صداعیکه وجع او در پیشانی و گوش بیشتر عارض شده بعد تهوّع و گاهی قی و رعشه در تمام بدن نمایان میشود

مسموم شدن بسبب تریاک اگر عمداً و یا سهواً تریاک را بمقدار

سمّی خورده باشند موجب تهوّع و قی گشته و رنگ صورت با تمام بدن بلون کاه شده فی الجمله هذیان و سستی و بیحسّی دست داده بعد حالت حیرت و نعاس و بالاخره سبات و گاهی تشنّج عارض شده جلد سرد و پوشیده از لکه های سرخ رنگ میشود و نبض بطؤ و رسانده و بی قاعده گشته عدد تنفسات تقلیل یافته در دقیقه بده میرسد و اگر در این زمان طبیب بسر وقتش نرسد و تدبیر در حقش نشود سبات زیاد گشته تنفس مانند غلغله آب جوش صدا کرده اتساع حدقه که قاصد مرگ است ظاهر شده آخر الامر تنفس متوقف و بعد حرکت قلب ساکت و مسموم در حالت اختناق بدرود عالم گوید و اگر این حالت از دوازده ساعت تجاوز نماید عموماً منتهی بشفا میشود

و در مسمومین با مرفین قی و تهوّع و صداع زیادتر از مسمومین تریاک است بعلاوه بعضی اختلاجات در نقاط مختلفه بدن دست میدهد

علاج اولین تدبیر (در کلیه مسمومات) برگردانیدن آنست از معده بواسطه تحریک لهات با انگشت و پر مرغ یا با دوای

قی (اپیکا وانیمون) و اگر از معده گذشته و علامات جذب آن مانند حیرت و نعاس و سبات ظاهر شود باید تدبیر ذیل را بجا آورد آن اینست که بیست مثقال سرکه سفید را در ظرف مناسب جوش آورده بعد چهار مثقال قهوه را داخل نموده آنقدر هم شکر ریخته موافق معمول ساعتی یک فنجان خورانده و دستمالی را هم باب سرد تر نموده بسرش ببندند و بواسطه تحریک اعضا مانند نشقون گرفتن و فشار دادن و کشیدن و کندن موی سر نگذارند که حالت بحت و سبات غلبه نماید و اگر با اینها افاقه کلی حاصل نشد در مقابل هر یک نخود تریاک که خورده یک نخود و نیم عصاره بلادن را متدرجاً بخورانند (۵) و تدبیر دیگری هم هست که تریاک را در معده بی اثر نماید و در صورت گذشتن آن از معده با وسایل سهل و ساده میتوان معالجه نمود ولی تمام اینها بسته بحضور حکیم ماهر است

---

(۵) نه اینکه فضله سگ توی حلقش ریخته بعد لای گلیم گذاشته بچرخانند چرا که بیچاره بهمان مقدار خوردن خودش پشیمان و تمام عالم هم بدور سرش چرخان است

حالا باید در اینجا همین مطلب را بیان کنیم که اراذل نوع انسانی از روی بی کاری و قدر ندانی چگونه عطیه الهیه موهوبه را بلیه داهیه خود ساخته و تریاق فاروق چندین هزار ساله خانواده حکمت و دیعه قدرت را محض جهالت و نادانی بمنزله سم قاتل رسانده امید نجات را وسیله هلاکت نموده در کمال فلاکت و نحوست خود را تلف نموده بازماندگان خود را عوض تأسف بوجد و شعف میاندازد چرا که از حکم عقل سرپیچیده و از حد حکمت تخلف ورزیده و از جواز شرع تجاوز نموده و برخلاف قانون مقدسه خلقت عالم حرکت کرده لابد باید بکیفر عمل خود برسد

امراض عارضه بر معتادین تریاک زیاده از آنست که بحد و حصر بیاید چنانچه هر روز تازه تر از تازه تری مشاهده میشود مانند بطلان سامعه و شامه و ضعف باصره و جوشش و خارش بدن و نفخ و قولنج شکم و مرض خشک و احساس فشرده کی در قفسه سینه و خدارت و بیحسی تمام اعضا بحدیکه سوزن فرو بری ملتفت نشود و فلج اطراف سافله بعد اطراف عالیه و کم شدن گوشت دندان ها و استعداد تام بورم لثه و پلیه

آن و خائف و هراسان بودن و از دنیا چشم پوشیدن و کنج خزیدن و
بهر گونه ذلت و سختی خو گرفتن و باندک صدمه و خراشی حدوث زخمهای
التیام ناپذیر در بدن ظاهر شدن و غیره از دردهای بی درمان

ولی علامات کلیه تسمم بدن بواسطه افیون و طول استعمال آن خواه
بخوردن و یا بکشیدن بقرار ذیل است

اولاً خستگی فوق العاده محتاج براحتی تام و رعشه خفیف بعد کم کم تحریک
در دماغ پیدا شده قوای دماغی مختل و مغشوش و اغلب بخیالات
واهی هم آور و غصه های دلسوز و غم انگیز بعد آنها هم موقوف شده
بحالت سکوت و آرامی بهلاکت میرسد ولی نه باین سهولت و راحتی بلکه
اغلب این قبیل اشخاص مدتی مبتلای صداع و عدم اشتها و سوء هضم
و یبوست دائمی و ضعف عمومی و لاغری و بطلان قوه باه و زوال شعور
گشته بعد از آن از حیات خود سیر و از زندگی بیزار شده سیخ و وافور
و سایر اسبابهای وافور را بدرود گفته رختهای سوخته و سوراخ شده
حیات را از تنش کنده با خلعت سفید و پاکیزه موت مخلع گشته خود را

داخل جرگه موتا میکند که من هم زنده بودم تکالیف علت خلقت و حیات
خودم را بجا آورده خلع و لبس کرده ام که اجر جزیل و فیض جلیل خود را
نایل شوم (هیهات هیهات)

در حیرتم از حال بزرگان ملت و دولت که صنفی خدا را تکلیف معین
کرده میگویند که لطف بر خدا واجب است و صنفی دیگر دولت را
تحریض بر تاسیس اصولی میکنند که بدان واسطه ملت صاحب صحت و
ثروت باشد لیکن ابدا تکلیف نهی از منکری ناموس مقدس شرع
شریف را که در واقع بزرگترین الطاف خداوندی است در حق مرتکبین
مناهی و معاصی و شاملترین نکات مهمه صحت و ثروت است نسبت
بملت فقیر و بیچاره ادا و اجرا نمی فرمایند سهل است که خودشان هم
دهلذا در خصوص این قبیل اعیان جدیده و موضوعات مستحدثه هرگز
قبل از اجرای اصل اباحه بتوسط حکما و اطبا نفع و ضرر او را معلوم
نمیفرمایند و یا در تشخیص آنها تصدیق اهل خبرت و بصیرت را مناط اعتبار
نمیدانند تا از کانون قانون (العیان مخلوقه لمنافع العباد و لها

طاب وطهر منها فهو الحلال وما خبث وضر بعقل او بصحة او بحیاة فهو الحرام) حضرت صادق آل محمد صلعم که در حقیقت بجهت سنجیدن علل (صلاح و فساد) واقعی احکام میزانی است حساس حکم او را استنباط کرده اشخاص اواسط بو الهوس از سرانجام اقتضای هوای نفسانی نهی افراد اوانی او باش را از ارتکاب اینگونه مناهی منجر بخرابی ملت و دولت منع نکنند

بلکه (کلّت لسانی وشلّت یمینی) بعضی ها در صورت صریح الحرمة بودنش هم عنوان تمارض و استعلاج و بنای تعلّل و استشفا پیش آورده الضروریات تبیح المحظورات را دست آویز نموده لکن تقدر بقدرها را شرط ندانسته از قدر کفایت تجاوز نموده و از حدّ احتیاج تعدّی کرده بعد قول لا اجبار بالاختیار لاینافی الاختیار را محتاج ندانسته خود را در فعل آن مجبور دانسته ترک او را خطیر انگاشته خود خود را بخطا و خطر میاندازد که نزله دندان و درد استخوان داشتم طبیب تجویزم کرده ای وای بر حال اینچنین مریض و آنچنان طبیب که دوای

آن بدتر از درد است و عقل این کمتر از جهل آنست

گمان بعضی بر اینست که حکمای قدیم محض بخالت اسرار و مکنونات مفیده را با رمز و اشاره بلکه بطور کنایه و معمّا می نوشتند که سایرین ملتفت نباشند و حال آنکه این نسبت بحکما در نزد عقلا خالی از جهل و افترا نیست زیرا اگر منظورشان این میشد هر آینه طرز رمز و معمّا را هم دریغ میداشتند پس مقصود مقدّسشان این بوده است که مطالب مفیدهٔ حکمتی بدست جهّال افتاده منجر بفساد نشود بعلّت اینکه در آن اعصار مثل حالیه وجه انحصار و جهت امتیاز دولتی و حدّ تعیّن ملّتی معهود نبود چنانچه حکمای حالیه هم هر چیز را که پی ببرند ابدا اظهار نمیکنند بلکه طوری بکار میبرند که احدی پی نبرد و یا از طرف دولت و ملت با امتیازشان و بوجه نقد بی پایان نایل گشته بعد آشکار مینمایند بنوعیکه همواره سررشته در دست خواص میباشد تا احدی نتواند از وجه انحصار و از حدّ تعیّن تخلّف و تجاوز نماید

وهکذا در خصوص ادویهٔ سمّی و چیزهای غیر مشروع تا طبیب مجاز نسخهٔ ممضا

نه بدتحصیل کردن آن محال است و اگر طبیب در غیر مورد استعمال طبّی و
یا زیاده از حد در استعمالش نسخه بنویسد نمی‌فروشند سهل است که نویسنده را
هم متنبّه و متعذّر میکنند پس عجالتاً که نه صاحب امتیازیم و نه حد تفتیش در
امورات داریم بر طبیبان حکمت پیشه است که هیچ مریضی را تریاک کشیدن
و خوردن را تجویز نه نموده بلکه صراحةً اسمی از ادویهٔ مُسمّی نبرده و هر چیز
سمّی و غیر سمّی را با اسم و رسم تجویز نکرده بوضعهای مختلف التصور دواهای
مخصوص بدهند که هم رفع و اثر شش پیشتر و هم بعد از رفع مرض دیگر مداومت
ننموده یکی دیگر تعریف و تجویز نکند که قبح ندامت باشد

اینمراتب را هم باید ملتفت شد که جنس و نژاد و تربیت در تأثیر افیون
دخالت کلی دارند مثلاً زنان بیشتر از مردان و اطفال بیشتر از زنان
متأثّر میشوند

و اشخاصیکه قوّت و تربیت دماغ آنها تکمیل شده است در وجود آنها چندان
تحریک نیاورده آثار تخدیر را ظاهر میسازد و در نژادهای دنی و اقوام
پست و اشخاصیکه ترقی دماغی آنها چنانچه باید ترقی نکرده تحریک خراب و

غضب

و غضب شدید میآورد

و کذا اشخاصیکه بواسطهٔ زیادتی مشاغل عمل دوران خون در مغز
آنها بیشتر است مانند محصّلین و متفکّرین در علوم و صنایع دقیقه و امور
سیاسی و غیره و نویسندگان و محاسبین از تحمّل تریاک عجز دارند

بر عکس بعضی مرض‌ها هست که عروض آن در اشخاص یک نوع تحمّل غریبی
بجهت استعمال افراط تریاک احداث مینماید که بسی مایهٔ حیرت است
مانند وجع عصبانی صورت و کزاز زخمی و مراقی و غیره

خیلی دلم میخواست که تاریخ شیوع تریاک کشی و تریاک کاری بعد از
آنرا معیّن نموده و مقدار مبتلا و فراریکه از آن وقت به بعد متروک
شده اند و عدهٔ اهالی که محض عادت کاشتن و کشیدن تریاک دست
از کار کشیده و از جان شسته کلّی از نان و جان افتاده مفلوک گشته‌اند
معلوم نموده بعد میزان حاصل کلیّهٔ تریاک مملکت و عاید دولت را سنجیده
و خرج و مصرف داخلی او را با تفصیل اوضاع شیره ساختن و تکالیف
(۶) ترتیب دادن شیره خانه های عمومی و قهوه خانه های خصوصی

ترکیبی است از شیره
سوخته تریاک و چرک

و ترتیب تشریفات کشیدن زباله فقرا و اعیان را مشروحاً معیّن و مرقوم نماید و پس از آن مانند منفعت و مضرّت حاصله از استعمال تریاک که آنفاً مشروح آمد دخل و خرج و نفع و ضرر دولت و ملّت را از اینکار مقایسه گرفته در ضمن نتیجه عمل ترتیبات مخصوصه مرتّب ساخته بعرض اولیای دولت علیّه و بمحضر بزرگان ملّت حقّه و ملّاکین و اعیان مملکت محروسه عرضه میداشتم

افسوس که نیل اینمرام از عهدهٔ شخصی من بنده بیرون و از وظیفهٔ این ذخیره خارج و با نیّت مقدّسه باقی منافی است لهذا حوالت بوقت دیگر نمود تا خدا چه بخواهد و اقتضا چه کند

تفنّن سیّم

تنباکو

برگ بوته ایست از طایفهٔ (سلانه سمّی) و مخدّر خوبی است در امزجهٔ اشخاص غیر عادی افسوس که بواسطهٔ عادت طباع شخصی و اثر موروثی آن در مزاج مردم عنقریب است که از اثر دوائی افتاده و از ادارهٔ طبّی خارج شود

عجالتاً خواص و استعمالات طبّی آن منحصر است بامالهٔ مطبوخ آن در فتق مختنق و در امتحان حیات غریق بآب و در تشنّج گزازی و طلایهٔ مطبوخ غلیظ آن در اسکات خارش جرب و ضماد آن در اوجاع مفاصل و سعوط انفیهٔ آن در صداع و رمد مزمن خالی از فایده نیست

جوهر آن که نیکوتین باشد بواسطهٔ شدّت سمّیّتش (۲ گندمش مهلک است) متروک و غیر مستعمل بلکه در جدول سرسلسلهٔ سموم قتّاله مکتوب و در زمره زهرهلال محسوب شود

استعمالات صور مختلفهٔ تنباکو و توتون اولاً بسته باختلاف جنس و وضع تهیه و ترتیب و جنت و مقدار جوهر است که تمام خواصش بواسطه آن است (۱) ثانیاً موقوف باسبابهای متنوعه و وضعهای متعدد است که هر قوم در هر مملکتی از ممالک دنیا اختراع نموده اند زیرا که سیگار و سیگاریت بواسطهٔ احتراق تام مادهٔ عامله (نکوتین) مخلوط بدود شده و در دهان و مجرای تنفس حل و جذب گشته داخل خون شده اثر عضوی و مزاجی خود را ظاهر میسازد ولی در غلیان و چپق و سایر وسایل تدخینیه اولاً درست نمیسوزد ثانیاً مقداری از آن در آب غلیان محلول میشود و در طی مسافت مابین سر قلیان و نی و چپق و سر سیگار و غیره بواسطهٔ دود خرد دوده و قیر جدا از جوف مجرا شده میماند (۲)

---

(۱) در فرنگستان تنباکوئیکه در تجارت تهیه و فروش میشود دو ثلث و نصف یا جوهر او را میگیرند که ضررش کمتر باشد

---

(۲) بهمین ملاحظه است که آب غلیان و قیر آن و مال چپق و سر سیگار اسباب هنگفت اینکار موجب هلاکت مار و سایر حیوانات زهردار و غیر آن میشود

در بعضی نقاط آذربایجان و قفقاز یک قسم تنباکوی معروف بکوراوغلی هست که در غلیانهای مخصوص میکشند بدون اینکه تنباکو را شسته چنین نمایند آب غلیان را عوض کنند چرا که توتش کمتر است لهذا امیخواهند اولاً خوب بسوزد ثانیاً هینکه آب قلیان از حل کردن جوهر تنباکو سیر شد دیگر چندان تلف نشده و بیشتر اثر کرده کوراوغلی باب کیف میشود (۳)

استعمالات خود آن بوضع سیگار و سیگاریت و پیپ و چپق و شطب و قلیان و غیره است

استعمالات سوطی و عطوسی آن بطور انفیه از منخرین مقدم و مؤخر است

استعمالات داخلی آن بطور جویدن و خوردن است که بریطانیه یک وضعی بکار میبرند

---

(۳) همان است که اگر کسی آب غلیان پانزده روزهٔ کهنهٔ غلیان کشها را عوض نماید اوقات تلخی مینمایند که آب غلیان من داشت تازه تازه میخواست برسد تو چرا عوض کردی

فایده و خواص آن — اثر تنباکو موافق حال و مزاج اشخاص و بجب کشیدن در هوای جاری و راکد و زمان سیری و گرسنگی متفاوت است کشیدن آن بحدّ اعتدال سبب تحریک شعور و استعداد کار گردیده اعمال هضم را محرّک بوده بواسطهٔ ازدیاد ترشّحات بزاقی و عصارات معدوی و بالاخره تحریک معوی و حرکت دودی اودرا زیاده کرده موجب لینه مزاج میشود (۴)

بمقدار کم خوردن و استعمال کردن تنباکو در مزاج غیر معتاد موجب سستی اعصاب و ضعف عضلات و دوار و گاهی قی و تهوّع و اسهال و

(۴) بهمین ملاحظه است که تریاکیها طبعاً طالب دخانیات و مجبور باستعمال آن میباشند که در مقابل تخدیر دماغی افیون تنباکو تحریک آورده و عوض تخفیف ترشّحات غشاء مخاطی آلات دهان و سایر مجرای غذای آنها را تر و تازه نموده موجب لینه و اجابت باشد

بجهت نیل انبرام مناسب حال بعضی از دو افوریهای لاابالی بهترین اقسام تنباکوی داغستان است که در چپق‌های مخصوص میکشند این نکته را هم محض خدمت بعالم منفور دوافوریها ذکر نمودم

و قولنج (۵) گردیده ادرار را زیاد جلد را سرد و زرد نموده مستی میآورد (۶)

و اگر بمقدار سمّی استعمال شود اوّلاً تحریک آورده لرزش و تشنّج در اعضا بهم رسیده بعد سستی و فلج کلّی آورده تنفّس را بطی نموده بالاخره چراغ حیات را خاموش مینماید

تسمّم تدریجی و مزمن آن — عادت و مداومت به دود تنباکو و کشیدن انفیه و خوردن و جویدن جرم آن بترتیب اعراض و علایم ذیل را احداث مینماید اوّلاً دهان و مجرای نفس را مانند دودکش بخاری دوده پوش و قیراندود کرده ورم غشای مخاط و ضعف ذائقه

۵ در اغلب اشخاص که اوّل بلا اوّل تنباکو استعمال میکنند اینحالت دست میدهد

(۶) بعضی اشخاص که چند دقیقه هم قبل از غروب شرعی و پیش از حلول وقت افطار مسارعت باستعمال دخانیات میکنند تقریباً بخاطر همین قسم مستی است که میخواهند سرمستانه اجر جزیل صوم و امساک را دریابند

و سامعه و عسرت بلع و سوء هضم و یبوست مزاج و تپش قلب و بی نظمی ضربات آن را احداث کرده و مرض (انژین دو پواترین) قلبی و دوار و فلج شقی و نقصان حافظه و نسیان و بطلان قوه باه و ضعف باصره و قلت خون و جریان اشک و ورم معده و گاهی سکته عارض میشود

از آنجائیکه توتون تقریباً ۳۸۵ سال متجاوز است که از دنیای جدید بدنیای قدیم آمده در مملکت وجود انسانی مسلط شده بواسطه خدمات مجدانه خود سمت قدمت پیدا کرده و از اینطرف هم نسبت بحال تریاکیها ساز کار گشته و از دیرباز تا کنون هم که تتمه الفقرا را اسباب کار رونق الخیال را سیگار سازد و مونس الهموم را دمساز (۷) بوده و در مملکت صاحب انحصار و امتیاز است که کرورها فایده بدول میرساند پس با اینهمه سمت و حمایت که او راست هرگز نمیتوانیم حریفش شویم در

(۷) این چند الفاظ یعنی از جمله القابی هستند که حضرات دراویش به بنگ و چرس و حشیش داده اند

در مملکت محروسه ایران از طرف بندگان ناصر الدین شاه شهید انار الله برهانه امتیاز (رژی) خرید و فروش داخله و خارجه کلیه تنباکو و توتون حاصله و وارده را در ۱۳۰۷ بعهده تجار انگلیسی واگذار در ۱۳۰۸ اداره مستقل آنکار دایر و مأمورین بولایات گسیل و لوازمه تدابیر جزئی بود که امنای دولت ناچاراً خطره در سال ۱۳۰۹ از عهده خسارت قونپانی برآمده موقوف گردانید

درینصورت بهتر اینست که فی الجمله از اوضاع تاریخی آن گنهکار روزگار ذکر کرده بگذریم از خانواده نجابت و طبابت یکنفر طبیب با علم و فضل که در عهد خود با اوضاع ایران و توران و هندوستان بصیر بوده است در یکصد و شصت سال قبل مینویسد که تنباکو از ادویه جدیده ارض جدید است و دویست سال متجاوز است که در ایران و توران و هندوستان بتوسط گروهی از نصارا از اواخر عهد شاه عباس ثانی شیوع کرده و معمول شده بنوعیکه الآن هیچ دهکده نیست که در آنجا تنباکو استعمال نشود و وضع استعمال آن درین ممالک ایران و توران منحصر بکشیدن دود و سعوط نمودن گرد و جویدن و خوردن جرم آنست ولی در هندوستان علاوه از این وضعهای مخصوص ترتیب میدهند چنانچه بعضی با توابل و عقاقیر ترکیب نموده در بین سرگین دفن کرده تخمیر مینمایند و برخی با معطرات و بهارات آمیخته بکار میبرند انتهی ولی صحیحش اینست که تتن (۸) سیگار و سیگارت که اروپائی ها بعضی تنبغ و برخی تاباگ میگویند چنانچه

تنباکو هم مقدّس آنست از نباتات مخصوصه ینگی دنیا است (۹)
اوّل بلا اوّل او را در ۱۵۶۰ مسیحی یک نفر طبیب نیکت نام فرانسوی
از بلد تباک ینگی دنیا بعنوان دوائی بفرانسه آورد (همان است که
آن نبت را باسم منبت (تباک) و جوهرش را (نیکوتین) باسم
ناقل آن (نیکت) مسمّی نموده اند) بعد از آن مانند سیب زمینی در تمام نقاط
دنیا معمول شد (۱۰) امّا تنباکوی غلیان و چپق که هر دو اقسام
متعدّد دارد از نباتات مخصوصهٔ آسیا است که بعد از شیوع و معمول
شدن توتون سیگار اهالی آسیا هم آنها را شناخته و کشت و زرع
نموده معمول کردند

حاشیه صفحه قبل (۸) تتن لفظ ترکی است بمعنی دود چنانچه تنباکو را دخان میگویند

(۹) کاشف اوّل ینگی دنیا کریستف کلمب در فتوحات خود اشاره کرده است که وحشیان برگ را پیچیده از یک سرش آتش زده از سر دیگرش کشیده دود او را بهوا میکردند (۱۰) در عهد ناصر الدین شاه شهید و در زمان ایالت مرحوم میرزا محمود خان ناصر الملک همدانی بتوسط حکیم فانوس اصفهانی در دار المرز رشت مزروع و معمول و یکی از رشته های بزرگ تجارت اهالی گردید

مقصود اصلی از تحریر این اوراق بیان تفصیل حقایق نفیسهٔ حکمی افیون
و تعداد مضرّات خطیرهٔ ناشئه از جهالت عامّه بود که ضمناً خصایص و
خطرات چائی و تنباکو را هم بمناسبت و ملازمت آن فرد اکمل (افیون)
منقّحات ثلاثه متعرّض شدیم زیرا نسبت قلیان و چائی بتریاک مثل نسبت
حرکت و برکت است بغیرت یعنی همان طوریکه غیرت را حرکت و حرکت را
برکت لازم افتاده است همان نسبت هم تریاکی را چائی خوردن و
چائی خوردن را قلیان کشیدن لازم است ولی نسبت فیما بین خود
تریاک و غیرت معکوس است یعنی شخص هرچه تریاک بیشتر استعمال نماید
غیرتش کمتر خواهد شد و هرچه غیرت کمتر و حرکت کمتر و هرچه حرکت کمتر
شود برکت کمتر خواهد شد پس خوب است که مشخص نمائیم ~~که مشخص~~ نمائیم
که شخص بطور وجوب روزی چه قدر باید و چه نقد خرج نماید تا اینکه منقّحات
سه گانه فراهم آمده جانش بخطر و معرض تلف افتاده غیرتش بهدر رفته
صحّت و برکت که اعظم نعمای الهی است از او سلب و برطرف گشته
خاسر الدّنیا و الآخره نشود

اهالی بر سه طبقه اند اوّل آقایان اعیان و اعالی دوّیم اواسط سیّم
ادانی اما طبقه اوّل حق ما نیست بلکه بر دهان ما زیاد است که حساب
خرج و دخل جان و مال آنها را بسنجیم زیرا که همیشه دارا و سالم بوده و میتوانند
تمام اسباب و ابزار دستگاه تریاک کشی و سایر لوازمات تغنّنشانرا
از طلا و نقره ساخته جزو مُوبل و ملزومات اطاق تغنّن شخصی و پسران و
بلکه جزو جهاز دختران قرار بدهند چرا که از مرحمت خداوندی سالی
هفتاد هزار خروار قند را تجّاران همسایه محض تفضّل بر نصف قیمه داخلی
خودشان بایران وارد میکنند زیاده از قدر لزوم هم چائی از چهار
اطراف داخل مملکت شده اغلب در دستگاه آنها مصرف میشود
و همه قسم تریاک و تنباکو هم که از محصولات فراوان داخلی و بدون
عوارضات خارجی مملکت است انتهای مراتب اگر زمستانی
بواسطه دوری راه ها و سختی هوا و لاغری الاغها و قحطی علوفه و حق
عبور آنها در دم راهدارها زغال که اعظم لوازمات تغنّنات
ثلاثه بلکه بمنزله روح آنهاست از جنگل مازندران نرسد چند قطعه

حق ما نیست

قاطر یک کش زغال یاوردبشان است
پس آنکه میتوانیم از وضع حالشان اطلاع پیدا کرده و بروز کارشان
گریه کنیم طبقه اواسط و ادانی است و از آنجائیکه حال اواسط و ادانی
نسبت بهدیگر متفاوت است خوبست که فقط بر تعیین حال ادانی کفایت
نمائیم تا اینکه بالمقایسه حال اواسط هم معلوم شود
همه کس میداند کسیکه تریاک کش باشد لامحاله روزی دو دفعه مرتکب
اینعمل میشود و هر دفعه هم کمتر از شش نخود استعمال میکند (۹) و از اینجا که
ثابت نمودیم که تریاکی مجبور است باستعمال دخانیات و خوردن چائی
و سایر محرکات لابد باید بعد از هر دفعه استعمال تریاک چند فنجان

---

(۱) اشخاصیکه روز کار خودشان را با غفلت و بطالت گذرانده و کاری
در دنیا نساخته و زاد و عیار اندوخته اند لابد وقت سؤال از عمرشان
از عهده سن و سالشان در دیده خودشان را جوانتر بنظر میدهند محض اینکه نگویند
گر تو که عمرت بسر آمده چرا کاری نکرده بلذا تریاکی ها کلّاً معتاد از شربت و اوقات
استعمال تریاکشان را پنهان میکنند مبادا اینکه بگویند با اینهمه تریاکیکه استعمال
میکنی پس قابل چه کاری و چگونه تاکنون نمرده

چائی و چند قلیان و یا چپق و یا سیگار میل کرده قدری شیرینی هم تنقّل نمایند
(غیر از اینکه هفته چند دفعه ملین دوائی یا مادهٔ چربی بجهت لینت
مزاج میخورند) تا اینکه باصطلاح خودشان کوک و ممور شوند و معلوم
است که ساز اینهمه تهیه کمتر از یک قران تمام نمی شود این ماهی سه تومان
که سالی سی و شش تومان باشد و هیچ نباشد روزی یک قران هم بجهت
سایر مخارج ضروریات معیشتش (غیر از ملبوس که هرگز پاپی نیستند)
لازم است این میشود هفتاد دو تومان   پس باید بنظر آورد حال
اشخاصی را (۱) که گذشته از این تکالیف ضروری دیگر هم دارند که لابد
باید از عهده برآیند و راه دخلشان هم منحصر بنوکری پست و عمله گی و کسب و
کار جزئی و گدائی و تکدی است که هرگز وجه اینهمه مخارج از این ممر
دخل عاید ایشان نمی شود ناچار باید از تقوی و صحت و غیرت خرج نموده بهلاکت برسند

(۱) اشخاصیکه روزی چند مرتبه مرتکب این عمل میشوند و یا اینکه شب و
روز متصل مشغول اینکار هستند که ابداً قابل معاشرت مردم و سرانجام
امورات خود نیستند خارج از مقوله میباشند

بنده غیرتم آمد که جزئیات حالات ناگوار حضرات وافوریهای بیچاره را
شرح و حکایت بنگارم و نتایج وخیمه کردار ناشایستهٔ ایشان را نسبت بملت و دولت
بنمایم لهذا اولاً توقع از غیرتمندان ملت آنکه تا با دیدهٔ بصیرت مختصر
نظری بر اوضاع شیره کشخانهای مرکزی مملکت که از چندی به بعد دائر
و جزء اصناف و محل مالیات گذار ولایات گردیده است نفرمایند
و از حال شیره کشهای محرمانه و زنانه مطلع نباشند هرگز مقالات
این رساله را حمل بر مبالغه گوئی و گزاف سرائی ننموده در مقام
استغراب و استبعاد مستهدف تیر طعن و ذم ننمایند که

مراد ما نصیحت بود گفتیم   حوالت با خدا کردیم و رفتیم

ثانیاً تمنا از مرتکبین عمل افیون و امرضین رای مفتون آنکه بمحض حقانیت
مطالب معروضه و بمجرد مخالفت آن با میل معوّجه ایشان از خدا
برگشته یاغی دولت و عاصی ملتم نخوانند که

با اهل صحبت نا اهل نشود طبع سلیم   روح را صحبت ناجنس عذابیست الیم

اعلان

اگر کسی از معتادین افیون بعد از مطالعه این رساله از عادت و

وافراط آن پشیمان گردیده بقصد تخفیف یا خدا نکرده بخیال ترک آن
بیفتد این بنده با کمال اطمینان حاضر است که بوسیلهٔ هرچه سهل و ساده تر مقدار حبّ
یعنی روزی از نیم تا ۲ گندم از مقدار معتاد آن (خواه خورنده باشد و خواه کشنده)
کم نماید بنوعیکه نه در زمان ترک و نه بعد از آن هرگز کسالت و انکسار موقتی و
عیب و علت مزاجی دست ندهد بلکه بحول الله و قوته روز بروز قوای زائل
آن در عودت و عوارضات ثابته اش در زوال باشد

(شروط تعهد فوق بقرار ذیل است)

۱ شخص رجوع کننده طبعاً خودش نادم و منزجر گشته طالب ترک و یا تخفیف
تریاک باشد نه بواسطه اجبار بزرگتر و اصرار کس و کارش

۲ سن و عمرش به پنجاه نرسیده باشد

۳ عادت و مداومت آن خیلی کهنه و قدیمی نباشد که عادت افیون در مزاجش
بمنزله اقتضای طبیعی و عوارضاتش بمثابه فواعل ثانوی بوده عسیر العلاج شود

۴ در استعمال مسکرات زیاده از اندازه مصر و مکثر نباشد

دوائیکه در خصوص استعمال میکنیم حبّ است و شربت و هرگز دوای مخدر و مکیف و
مضر اعضا و مضعف بنیه داخل آن نیست بلکه بر قوه و قدرت اشتها و شهوت شخص میافز







